

نظام چندبعدی قدرت جمهوری اسلامی ایران در لبنان

مسعود جعفری نژاد^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۸

چکیده

با افزایش نفوذ روزافزون ایران در لبنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بررسی قدرت هوشمند ایران در این کشور ضروری به نظر می‌رسد. موضوع این پژوهش، از این جهت مهم است که قدرت هوشمند در دنیای امروز، آمیزه‌ای از این دو قدرت سخت و نرم بوده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در لبنان در قالب قدرت هوشمند جنبه واقعی پیدا کرده است. در این مقاله، از روش توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. فرضیه این تحقیق، عبارت است از اینکه: قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در لبنان به واسطه حضور نیروی حزب‌الله در دو صحنه نبرد میدانی و مبارزات پارلمانی به قدرت هوشمند تبدیل شده است. پرسش اصلی این است که قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در لبنان، چه تأثیری بر حزب‌الله لبنان و شیعیان این کشور حساس دارد؟ نتایج این پژوهش، گویای آن است که قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در دو صحنه مبارزات پارلمانی و نبرد میدانی، باعث شده که حزب‌الله لبنان به پیروزی‌های بزرگی در این صحنه‌های حساس دست یابد.

واژه‌های کلیدی: قدرت هوشمند، قدرت نرم، قدرت سخت، جمهوری اسلامی ایران، لبنان

مقدمه

تعریف قدرت هوشمند را نخستین بار سوزان ناسل به معنای ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدها به کار برد. وی معتقد بود: منابع اجباری و اقناعی شامل: توانایی‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک باید در یک جهت هماهنگ شوند تا برآیند آن تداوم برتری یک کشور را تضمین کند. از سوی دیگر، قدرت هوشمند اصطلاحی بود که جوزف نای در سال ۲۰۰۳ پیشنهاد داد تا آن را در برابر این باور اشتباه قرار دهد که قدرت نرم به‌تنهایی می‌تواند راهنمای سیاست خارجی مؤثر باشد. همچنین، در سال ۲۰۰۷، او به‌همراه ریچارد آرمیتاژ، معاون سابق وزارت خارجه، ریاست کمیسیون حزبی را در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی برعهده داشت که در جهت شناساندن مفهوم قدرت هوشمند تشکیل شده بود. از دیدگاه این دو اندیشمند، قدرت هوشمند به‌معنای توسعه استراتژی منسجم، پایگاه منابع و درواقع، جعبه ابزاری برای دستیابی به اهداف است که هم شامل قدرت نرم و هم شامل قدرت سخت می‌شود؛ یعنی قدرت نرم مکمل قدرت سخت است؛ به‌طوری که بی‌توجهی به قدرت نرم می‌تواند قدرت سخت و استراتژی قدرت را به گونه محسوسی تضعیف کند.

در ادبیات قدرت نرم و سخت، هنگامی منابع به قدرت تبدیل می‌شوند که بتوانند طرف را با ارعاب و تهدید یا جذابیت و مشروعیت، به کنشی مطلوب وادار کنند. پس در نتیجه، می‌توان برای هر یک از منابع قدرت، دوگونه قدرت نرم و قدرت سخت در نظر گرفت؛ برای مثال، اقتصاد می‌تواند هم منبعی برای استخراج قدرت نرم و هم منبعی برای استخراج قدرت سخت باشد. هنگامی که یک کشور بتواند بدون استفاده از نظرات اقتصادی خود، دیگران را مرعوب تأثیرگذاری بر نظام اقتصادی جهانی، منطقه‌ای و یا داخلی نماید، در اینجا از اقتصاد به‌عنوان منبعی سخت استفاده شده است و هنگامی که دیگران نظرهای اقتصادی یک کشور را به‌عنوان زمینه‌ای برای فرصت‌های اقتصادی و

نظام چند بعدی قدرت جمهوری اسلامی ایران در لبنان / ۱۷۹

سرمایه‌گذاری تلقی کنند، در اینجا از قدرت نرم اقتصادی بهره برده شده است (مطهرنیا، بی تا: ۹).

توانایی ترکیب قدرت سخت و نرم در یک راهبرد مؤثر، قدرت هوشمند است. دیپلماسی عمومی نوین، یکی از ابزارهای قدرت نرم است؛ اما چرخ‌های قدرت سخت، تنها می‌تواند با روغن‌کاری قدرت نرم که در آن دیپلماسی عمومی یک عنصر کلیدی است، به روانی کار کند (میلسن، ۱۳۸۷: ۱۳۶).

قدرت را صرف‌نظر از مشروع یا نامشروع بودن و انگیزه‌ها و اهداف، می‌توان به دو بحث نرم و سخت تقسیم کرد. کوشش برای تمایز بین قدرت و نیرو، شاید نخستین گام در این راستا به‌شمار آید. واژه قدرت، بیانگر رابطه‌ای انسانی در معیارهای خرد و کلان آن است؛ یعنی وقتی سخن از قدرت رانده شود، منظور استعداد و قابلیت تحمیل اراده و سلطه یک فرد یا گروه بر دیگران است. به بیانی رساتر، قدرت، ظرفیت و استعداد درونی و امر سیاسی اوست؛ اما نیرو ابزاری است که واحد سیاسی به‌عنوان یکی از عوامل قدرت در اختیار دارد.

از نگاهی دیگر، عوامل شکل‌دهنده قدرت را می‌توان به دو دسته مادی و معنوی تقسیم کرد. عناصر مادی شامل: منابع زیرزمینی، اقتصاد، تکنولوژی، میزان جمعیت، تعداد نفرت نیروی نظامی، وسعت سرزمینی و ... است، و عوامل کیفی و معنوی، شامل: ایدئولوژی، رهبری، روحیه ملی، مشروعیت سیاسی و ... است (افتخاری، ۱۳۸۶: ۶۰).

گاهی اوقات قدرت سخت می‌تواند جنبه نرم یا جذاب نیز داشته باشد؛ همان‌طور که بن لادن در یکی از نوارهایش گفته است: «هنگامی که مردم یک اسب قوی و یک اسب ضعیف را می‌بینند، طبیعتاً اسب قوی را دوست خواهند داشت (نای، ۱۳۸۷: ۷۲).

بیش از چهار قرن پیش، نیکولو ماکیاولی به شاهزادگان ایتالیایی چنین گفت: این که مردم از شما بترسند، مهم‌تر است از این که شما را دوست داشته باشند؛ اما در دنیای امروز

بہتر است که به هر دو مورد توجه کنیم. غلبه یافتن بر قلب‌ها و افکار همواره مهم بوده؛ اما اهمیت آن در عصر اطلاعات دوچندان شده است (همان: ۳۷).

قدرت سخت، مستلزم درگیری فعال و مستقیم بازیگران دخیل است که در قالب مشوق‌ها یا تهدیدها باید با نیروی نظامی یا منابع اقتصادی در ارتباط باشد. نویسندگان پیرو مکتب گرامشی با این سخن نای موافقاند که اگر دیگر دولت‌ها قدرت یک دولت را مشروع بدانند، آن دولت در پیگیری اهدافش با مقاومت کمتری روبه‌رو خواهد شد (کاکس، ۱۳۹۰: ۴۱).

جوزف نای بر این باور است که رفتارهای قدرت، شیوه‌های اعمال قدرت هستند. انواع مختلف رفتار، طیفی را تشکیل می‌دهند که از قدرت فرماندهی تا قدرت هم‌رنگ‌سازی را دربرمی‌گیرد. قدرت فرماندهی، توانایی تغییر دادن کردار دیگران است؛ حال آنکه قدرت هم‌رنگ‌سازی، توانایی شکل دادن خواسته دیگران است. بنابراین، قدرت فرماندهی در اقدامات اجبارگرایانه و مجاب‌کننده نمود می‌یابد و قدرت هم‌رنگ‌سازی را می‌توان در جذابیتی که یک کنشگر مشخص دارد و توانایی وی برای تعریف دستورکار سیاسی مشاهده کرد. نتیجه منطقی واژگانی که نای به کار می‌برد، این است که قدرت فرماندهی با منابع قدرت سخت در ارتباط است و قدرت هم‌رنگ‌سازی با منابع قدرت نرم (کاکس، ۱۳۹۰: ۴۸).

آنتونیو گرامشی معتقد است اجبار و رضایت ضد هم نیستند. در واقع، زور یکی از عناصر تشکیل‌دهنده رضایت است؛ زیرا هرگونه از دست رفتن رضایت، سبب به صحنه آمدن ابزارهای قهر و اجبار می‌شود. اجبار، عنصر نهفته و ذاتی رضایت است.

نای معتقد است، توانایی تهدیدکردن یک فرد یا دولت، ظاهراً در گرو در اختیار داشتن ابزارهای اعمال خشونت فیزیکی است که در مورد فرد، همان توانایی بدنی و در مورد دولت، نیروهای نظامی است. به همین سان، روشن است که پیش‌نیاز ضروری برای

نظام چند بعدی قدرت جمهوری اسلامی ایران در لبنان / ۱۸۱

اعمال قدرت سخت در سیمای عرضه مشوقها، داشتن ثروت، به صورت پول یا دیگر منابع ارزشمند است؛ ولی وقتی سخن اعمال قدرت نرم به میان می‌آید، دولت باید به طیف متفاوتی از منابع، از جمله فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی‌اش متکی شود. بدین ترتیب، نای قدرت نرم را نوعی توانایی تعریف می‌کند که یک کنشگر می‌تواند با توسل بر جذب و جلب نظر، آن را اعمال کند (مایکل کاکس، ۱۳۹۰: ۷۲).

ظهور و بروز قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در لبنان

بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که انقلاب اسلامی ایران، الهام بخش و الگوی بسیاری از ملت‌های عربی و جهان اسلام بوده و سبب بیداری و آگاهی‌بخشی این کشورها شده است (OMoghaddamNia, Sharafi & Rabiee, 2017:210). با وجود اعمال تحریم‌های ناعادلانه علیه ایران و کوشش برای مهار قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، قدرت نرم به همراه بردباری و ثبات قدم، دلایل اساسی رشد نفوذ منطقه‌ای ایران در سال‌های اخیر بوده است (Rafizadeh, 2016). جمهوری اسلامی ایران به‌طور سنتی، از یک مدل تلفیقی از قدرت نرم و قدرت سخت بهره می‌برده است که به‌طور معمول در این مدل، قدرت نرم از اولویت بیشتری برخوردار است. این اولویت‌بندی نه به دلیل ضعف در قدرت سخت، که به‌خاطر اهمیت امور اخلاقی، معنوی و انسانی در منظومه فکری انقلاب اسلامی صورت پذیرفته است (Eisenstadt, 2015:12).

عناصر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه را از یک منظر می‌توان در قالب ذیل تقسیم‌بندی کرد:

- مشروعیت سیاسی: شامل عناصری مانند مقبولیت، اعتماد عمومی و کارایی؛
- ارزش‌های ایدئولوژیک و فرهنگی: تاریخ کهن، هنر و علوم، اماکن مقدسه، وجهه و پرستیژ بین‌المللی؛

- وحدت سیاسی و اجتماعی که در قالب وحدت ملی و اعتماد به نفس اجتماعی تبلور می‌یابد (Blake,2010:128).

چنانکه ذکر شد، قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در لبنان از دو بعد سخت؛ یعنی نبرد میدانی و بعد نرم که نفوذ پارلمانی، فرهنگی و سیاسی است، تشکیل شده است. در ادامه این مقاله، به تبیین ابعاد مذکور پرداخته خواهد شد:

الف) ابعاد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران: یکی از دلایلی که تأثیرگذاری قدرت نرم ایران را بیش از هر کشوری در لبنان مشهود کرد، تشابهات فرهنگی و تاریخی؛ به‌ویژه وجود اکثریت شیعه در دو کشور است. به همین منظور، به بررسی روابط شیعیان دو کشور در گذشته و سپس به تأثیر این روابط در گسترش فرهنگ اسلامی و ایرانی و افزایش قدرت نرم ایران در لبنان می‌پردازیم.

سابقه تشیع در لبنان به صدر اسلام باز می‌گردد: عثمان، خلیفه سوم، ابوذر غفاری از یاران برجسته پیامبر (ص) را به شام فرستاد. معاویه، فرمانروای آن سرزمین وی را تبعید کرد و ابوذر به جبل عامل رفت و به پراکندن بذر تشیع در آن سرزمین همت گماشت. رابطه میان مسلمانان شیعه لبنان با ایران، قدمتی دیرپا دارد و به سده‌های پیشین باز می‌گردد. نخستین بار در زمان صفویه، گروه بزرگی از مبلغان مذهبی شیعه به ایران دعوت شدند. بسیاری از ایشان پس از ورود، در ایران ماندند و به تدریج و طی نسل‌های بعد به طور کامل ایرانی شدند.

شمار قابل ملاحظه‌ای از علمای جبل عامل که به ایران مهاجرت نمودند، از بستگان نسبی یا سببی چند خانواده معدود بودند و یا اینکه میان آنان روابط و علائق استادی و شاگردی برقرار بود. از همین رو، اعقاب و وابستگان محقق ثانی تا سال‌ها نقش و نفوذ بسیار در حیات مذهبی و سیاسی ایران داشتند (بیگی، ۱۳۸۸: ۲۲۹).

نظام چند بعدی قدرت جمهوری اسلامی ایران در لبنان / ۱۸۳

برخی از ایرانیان، از قرن نوزدهم به بعد به لبنان مهاجرت کرده‌اند. سید حسین اخوی برقی در اواخر قرن نوزدهم میلادی از منطقه شیراز و یا تهران به شهر صور هجرت کرده، با دختر حاج علی سفدان، از شیعیان صور ازدواج می‌کند و به طبابت سنتی می‌پردازد. پسر او، سید نورالدین اخوی، مهم‌ترین مکتب آموزشی سنتی را در شهر صور به مدت ۳۲ سال دایر می‌کند و همه نسل قدیم در شهر صور نزد او درس می‌خوانند.

پسر سید نورالدین، مرحوم شریف اخوی، یکی از مشهورترین مجریان برنامه در رادیو دولتی لبنان می‌شود. حسین و باقر و زین‌العابدین مکتبی از اصفهان، در ربع اول قرن بیستم به بیروت آمده، به تجارت فرش مشغول می‌شوند و اکنون از بزرگ‌ترین تاجران در لبنان هستند. فامیل سمسارزاده حداقل مدت چهل سال است که در لبنان مشغول به تجارت فرش هستند. فامیل عجمی در دهکده عباسیه شمال شهر صور، در قرن نوزدهم میلادی از شهر شیراز به جبل عامل آمده‌اند. نماینده اسبق پارلمان لبنان، احمد عجمی از این خانواده بود. در منطقه نبطیه ده‌ها خانواده اصیل ایرانی وجود دارند که از صد سال پیش در جبل عامل بوده‌اند و برای گریز از سربازی در ارتش عثمانی، به تابعیت ایرانی خود باقی مانده‌اند. در دهه ۹۰ که دولت آقای رفیق حریری حدود ۵۰ هزار تابعیت لبنانی به خارجی‌ان مقیم لبنان داد، اکثریت این افراد تابعیت لبنانی گرفتند.

در مناطق شیعه‌نشین لبنان؛ به‌خصوص حومه جنوبی بیروت، صدها معاود عراقی که اکثر آنها اصلیت ایرانی دارند، زندگی می‌کنند و بیشتر در کار نشر کتاب مشغول هستند. همچنین، در قرن گذشته یکی از همراهان جمال‌الدین افغانی به نام میرزا باقر که احتمالاً از شیراز است، در لبنان سکونت می‌کند و پیرامون مسایل فلسفی مقاله می‌نویسد (بیگی، ۱۳۸۸: ۲۳۱).

ادبیات سیاسی و شعارهای گروه‌های شیعه، همچون جنبش امل اسلامی، حزب الدعوه و حزب‌الله در دهه هشتاد، نشان‌دهنده تاثیرپذیری شیعیان از انقلاب اسلامی است؛

برای مثال، «واژه‌ها و اصطلاحاتی که در آثار و بیانیه‌های آنها و یا سخنرانی شخصیت‌های این احزاب به کار برده می‌شد، برگرفته از واژه‌ها و اصطلاحاتی بود که انقلاب اسلامی ایران آنها را رواج داد».

پس از تلفیق گروه‌های مستقل شیعه در قالب حزب‌الله از سال ۱۹۸۲ به بعد، واژه‌ها، روش‌ها و ابزارهای تبلیغاتی و فرهنگی حزب‌الله، مشابهت بسیاری با ابزارهای تبلیغاتی در جامعه ایران داشت، تا جایی که می‌توان گفت که غالب اصطلاحات و واژه‌هایی که از سوی حزب‌الله به کار برده می‌شد، از فرهنگ و ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی و سخنان امام خمینی (ره) به عاریت گرفته می‌شد؛ از جمله آنکه به مسلمانان و سایر ملل ضعیف جهان، به دید «مستضعفان» نگریسته می‌شد و بر همین اساس، نخستین ایستگاه رادیویی حزب‌الله در شهر بعلبک، «صوت المستضعفان» نام‌گذاری شد. آمریکا و شوروی به‌عنوان نمونه‌های «استکبار جهانی» معرفی شده و رژیم صهیونیستی نیز به عنوان «غده سرطانی» شناخته می‌شد که درصدد ریشه کن کردن آن بودند. همچنین، پرچم‌های ایران و پرچم‌های شیعی، از قبیل «یا ابا عبدالله» و «یا مهدی ادرکنی» نیز بر فراز مساجد برافراشته شده بود.

شایان ذکر است که علاوه بر تأثیرات مذکور، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های رایزنی فرهنگی ایران در لبنان، برگزاری مراسم، تظاهرات و جشن‌هایی برای اعیاد اسلامی، روز قدس، مراسم عزاداری اهل بیت و ... با همکاری گروه‌های شیعی است که استقبال شیعیان لبنان را به همراه دارد (حمزه امرائی، ۱۳۸۳: ۲۳۹).

نفوذ پارلمانی جمهوری اسلامی ایران از طریق حزب‌الله

خروج اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ به‌طور قابل ملاحظه‌ای به اعتبار حزب‌الله لبنان افزود و از این تاریخ به بعد، آنها به‌طور مداوم به سازماندهی و ارتقای توان خود ادامه

نظام چند بعدی قدرت جمهوری اسلامی ایران در لبنان / ۱۸۵

داده‌اند؛ به‌ویژه در قالب یک حزب سیاسی که نفوذ آنها در لبنان از سال ۲۰۰۶ به بعد افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است (venetis,2011:21).

اما یکی از عناصر مهم و تعیین کننده قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در لبنان که کمتر مورد مذاقه قرار گرفته، نفوذ پارلمانی این کشور در لبنان است. ماهیت مواضع حزب‌الله نسبت به نظام سیاسی لبنان پس از پیمان طائف (۱۹۹۰) تحول و تغییرات چشمگیری یافته است. در دیدگاه حزب‌الله، نظام سیاسی پیش از پیمان طائف و دولت آن (دولت امین جمیل) نظامی وابسته به صهیونیست‌ها بوده که وجود حزب‌الله را در معرض خطر قرار می‌داده و معیارهای رژیم ظالم را داشته و لازم بوده است با خشونت سیاسی یا انقلابی با آن برخورد شود.

حزب‌الله پس از پیمان طائف و پس از کسب اجازه از ولی فقیه، آیت‌الله خامنه‌ای برای مشروعیت شرکت در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۲ شرکت کرد و از آن پس، تحت تأثیر جمهوری اسلامی ایران و رهنمودهای رهبران آن، همواره در رقابت‌های انتخاباتی پارلمانی، شوراهای شهر و روستا و شهرداری‌ها حضوری فعال داشته است (علی خسروشیری و مصطفی جوان، ۱۳۸۸: ۴۲-۴۳).

حزب‌الله لبنان که تا قبل از پیمان طائف، رابطه خصمانه‌ای با سایر گروه‌ها و احزاب لبنانی داشت، در جریان مبارزات انتخاباتی سال ۱۹۹۲ با توجه به شرایط جدید و نیازهای حیاتی لبنان، اقدام به ائتلاف با برخی از این گروه‌ها نمود و بدین ترتیب، در کنار نیروهایی قرار گرفت که تا چندی قبل با یکدیگر می‌جنگیدند. نامزدهای انتخاباتی حزب‌الله، با نامزدهای جنبش امل، حزب کمونیست، حزب قومی سوری و حزب بعث، در یک فهرست ائتلافی و در کنار یکدیگر قرار گرفتند.

در انتخابات سال ۱۹۹۲ در منطقه جنوب، حزب‌الله به تنهایی تصمیم گرفت که با نبیه بری ائتلاف کند؛ زیرا معتقد بود که حساسیت ناشی از جنگ امل و حزب‌الله همچنان

باقی است و در صورت مقابله این دو جنبش در انتخابات، امکان از سرگیری درگیری‌ها میان هواداران آنها وجود دارد. در منطقه بقاع، حزب‌الله عمداً دو جای خالی در فهرست خود باقی گذاشت؛ تا «حسین الحسینی»، شخصیت معروف شیعه و رئیس سابق پارلمان لبنان رأی بیاورد. علی‌رغم آن که وی حاضر نشده بود با حزب‌الله ائتلاف کند، اما بنابر گفته سید حسن نصرالله، «حزب، مصلحت را در آن دید که الحسینی به مجلس راه یابد»؛ در حالی که نتایج انتخابات نشان می‌داد که اگر حزب‌الله فهرست کاملی معرفی می‌کرد، همه آنان رأی می‌آوردند و الحسینی انتخاب نمی‌شد (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۲۰۸).

از طرف دیگر، حزب‌الله در مناطق مختلف با گذاشتن چند جای خالی در فهرست خود، زمینه را برای مصالحه و ائتلاف با همه گروه‌ها و حتی عشایر باقی گذاشت. بدین ترتیب، در زیر لوای سیاست «ائتلاف» و «مصالحه»، حزب‌الله توانست به توافق‌های مهمی دست یابد. دکتر نزار حمزه، استاد دانشگاه آمریکایی بیروت در این خصوص می‌گوید: «دیگر گروه‌ها و شخصیت‌ها، در مقابل این تاکتیک حساب شده حزب‌الله، غیرحرفه‌ای (آماتور) جلوه کردند» (حمزه، ۱۳۸۷: ۳۸).

نتیجه این مبارزه دقیق انتخاباتی، پیروزی چشمگیر حزب‌الله در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۲ بود؛ بدین ترتیب که هشت نماینده شیعه و چهار نماینده از سایر طوائف مذهبی لبنان که هم پیمان حزب‌الله بودند، به پارلمان لبنان راه یافتند و یک فراکسیون ۱۲ نفره به نام «وفای به مقاومت» تشکیل دادند. این فراکسیون، که اولین فراکسیون اسلامی در تاریخ پارلمان لبنان به‌شمار می‌آید، از فعال‌ترین فراکسیون‌های پارلمانی در لبنان محسوب می‌شود. این پیروزی چشمگیر باعث شد که سیدحسن نصرالله در ارزیابی دست‌آوردهای پارلمانی حزب تأکید کند که «آزمون ورود به پارلمان، آزمون مثبتی بوده است و به همین علت، حزب‌الله در انتخابات آیند (۱۹۹۶) نیز شرکت خواهد کرد.» شیخ نعیم قاسم نیز در

نظام چند بعدی قدرت جمهوری اسلامی ایران در لبنان / ۱۸۷

خصوصاً ائتلاف‌های انتخاباتی حزب‌الله در انتخابات سال ۱۹۹۶ گفت: «امکان ائتلاف با همه احزابی که با رژیم صهیونیستی ارتباط ندارند، وجود دارد.»

بدین ترتیب، حزب‌الله موفقیت‌های خود را در انتخابات ۱۹۹۶ نیز تکرار کرد و پس از عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از خاک لبنان در خرداد سال ۱۳۷۹، به صورت قدرت اول شیعه، در مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۰۰ شرکت نمود (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۲۱۰ و ۲۱۱). هم‌اکنون حزب‌الله لبنان به‌عنوان عامل بسط نفوذ جمهوری اسلامی ایران، از مجرای قانونی در پارلمان این کشور ایفای نقش می‌نماید.

ب) ابعاد قدرت سخت جمهوری اسلامی ایران در لبنان: ماکس وبر در موضوع کنش اجتماعی، برای نظام عقاید و اندیشه‌ها اعتبار خاصی قائل است و نقش مهمی برای آنها در نظر می‌گیرد. از نظر وی، به‌طور کلی ساختار اقدام جمعی از تعهد اولیه اعضای آن جمع، به نوع خاصی از نظام عقاید سرچشمه می‌گیرد و عقاید دارای منطبق و نیروی خاص خود هستند. بنابراین، اقدام جمعی (خشونت‌بار یا مسالمت‌آمیز) مورد نظر وبر، محصول تعهد به نظام عقیدتی خاصی است. او برشال نیز معتقد است اگر تعارضات اجتماعی بر سر نمادها و ارزش‌ها باشند، به نسبت سایر تعارضات شدیدتر خواهند بود و تنظیم آنها دشوارتر است (وبر، ۱۳۶۷: ۳۳).

پس از تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی در خرداد ماه ۱۳۶۱، و بطلان همه طرح‌های مسالمت‌جویانه در برخورد با این رژیم غاصب و یا همکاری با آمریکا، اصل تأیید شده توسط انقلاب اسلامی ایران - یعنی مقاومت و ایستادگی در برابر ظالم - از مقبولیت و اعتبار خاصی برخوردار شد و در نتیجه، زمینه برای ادغام مجموعه‌های کوچک اسلام‌گرای شیعه و تاسیس تشکیلات واحدی به‌نام «حزب‌الله لبنان» فراهم شد. این تشکیلات اسلام‌گرای جدید، بیشترین آمادگی را برای پذیرش آموزه‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی از خود نشان داد. حزب‌الله حامل همان ایدئولوژی بود که انقلاب اسلامی ایران پیام‌آور آن به‌شمار

می‌رفت؛ یعنی اتکا به توان خود برای سرکوب دشمن. به‌همین علت، ایران، حزب‌الله لبنان را «نوک پیکان مبارزه علیه رژیم صهیونیستی» به حساب آورده و حمایت معنوی از آن را در سرلوحه سیاست‌های خود (بر اساس اصل حمایت از مظلوم) قرار داد.

افزون بر این، فضای ویژه لبنان و حضور قدرت‌های مختلف، دولت جمهوری اسلام ایران را واداشت تا برای حمایت مؤثر از مطلوبیت مسلمانان، در عرصه مبارزه لبنان نیز حاضر شود و در امر مهم برخورد با رژیم صهیونیستی، حضوری مؤثر داشته باشد.

جمهوری اسلامی ایران درخصوص حضور خود در لبنان (در سال ۱۳۶۱) معتقد بود که این حضور، نخستین نقطه تماس مستقیم میان انقلاب اسلامی ایران با یک طایفه بزرگ شیعی مذهب در جهان عرب است که پس از عراق، به‌عنوان بزرگ‌ترین طایفه شیعه در میان کشورهای عربی به‌شمار می‌رود. بدین ترتیب، از این پس، ایران یک بازیگر رهبرگونه در اداره امور این طایفه خواهد بود و شیعیان لبنان را به دریچه‌ای مناسب در جهت توسعه نفوذ خود در قلب چالش اعراب و رژیم صهیونیستی تبدیل خواهد کرد (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۷۰ و ۱۷۱). ایران از طریق حضور در لبنان می‌توانست در زمینه گسترش مرزهای تنگ ژئوپلیتیک جنگ با عراق و نیز درخصوص دستیابی و اثرگذاری بر گروه‌های بیشتری در جهان عرب، امیدوارانه گام بر دارد. رهبران و اعضای حزب‌الله، به این تاثیر انقلاب اسلامی بر صحنه سیاسی لبنان و به‌خصوص بر شیعیان این کشور اذعان دارند و با افتخار از آن یاد می‌کنند. سید ابراهیم الامین، سخنگوی حزب‌الله در دهه هشتاد می‌گوید:

«صدور انقلاب به معنای تسلط نظام ایران بر ملت‌های منطقه خاورمیانه نیست؛ بلکه به معنای تجدید حیات اسلامی منطقه است، تا آنچه که بر این ملت‌ها مسلط شود، اسلام باشد».

همچنین، سید ابراهیم الامین درخصوص رابطه ایران و شیعیان لبنان می‌گوید: «ما نمی‌گوییم که بخشی از ایران هستیم، ما ایران در لبنان و لبنان در ایران هستیم».

نظام چند بعدی قدرت جمهوری اسلامی ایران در لبنان / ۱۸۹

شیخ حسن طراد، یکی دیگر از روحانیون حزب‌الله نیز در این خصوص بیان می‌کند: «ایران و لبنان یک ملت واحد و یک کشور واحد هستند و همان‌گونه که یکی از علمای بزرگ ایران می‌گوید، ما از لبنان پشتیبانی سیاسی و نظامی می‌کنیم»، به گفته شیخ علی یاسین، یکی دیگر از روحانیون فعال حزب‌الله، اگر حمایت ایران نبود، این حزب به پنجاه سال وقت نیاز داشت تا به دست‌آوردهای فعلی خود نائل گردد (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۷۳).

تاثیرپذیری ظاهری و باطنی حزب‌الله از ایران، باعث شد تا در محافل داخلی لبنان و نیز در منطقه و جهان، به این حزب به‌عنوان یک «حزب ایرانی» نگریسته شود و همواره این اتهام به حزب‌الله لبنان وارد گردد که «ساخته دست ایرانیان و آلت دست آنان» است. نبیه بری، رهبر جنبش امل و رقیب دیرینه حزب‌الله، به‌طور رسمی در سخنرانی خود، که به مناسبت دوازدهمین سال مفقود شدن امام موسی صدر ارائه شده بود، ماهیت حزب‌الله را زیر سؤال برد و گروه‌هایی، همچون: حزب‌الله و تجمع علمای لبنان را «لبنانی» ندانست و به‌صراحت بیان کرد که «همه این گروه‌ها و تجمع‌ها» ایرانی هستند؛ اما پژوهشگران و تحلیلگران آگاه، ضمن قبول تاثیرپذیری حزب‌الله از ایران، اتهام فوق را رد می‌کنند.

تاثیرپذیری حزب‌الله از آموزه‌های انقلاب اسلامی، در واقع از جمله عوامل مؤثر در گرایش این حزب، به استفاده از الگوی مقاومت و کاربرد روش‌های قهرآمیز ضد رژیم صهیونیستی است؛ زیرا مهم‌ترین مسأله در کاربرد این روش‌ها، آن است که استدلال‌های قوی ایدئولوژیک و عقیدتی، قادر باشد این گونه اعمال را توجیه کند و وجدان فرد عمل‌کننده را راضی نماید؛ به‌گونه‌ای که بدین باور برسد که عمل او جرم نیست؛ بلکه عملی است مشروع و صحیح که برای رسیدن به هدفی متعالی انجام می‌پذیرد (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۱۷۴).

زمینه‌های نظامی شدن حزب الله

لبنان پس از استقلال، به دلیل ساخت طایفه‌ای آن، ناعادلانه بودن تقسیم قدرت و همچنین مجاورت در کنار مرزهای رژیم غاصب صهیونیستی، همواره در معرض دو گونه تهدید امنیتی بوده که عبارتند از:

۱. تجاوزهای مکرر صهیونیست‌ها به خاک لبنان: پس از تشکیل دولت غاصب صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، همواره لبنان به دلیل حضور آوارگان فلسطینی، مورد هجوم صهیونیست‌ها بوده است. از پیامدهای تجاوز صهیونیست‌ها به لبنان، کوچ دسته جمعی ساکنان جنوب بر اثر نابودی مزارع و محصولات کشاورزی و محاصره اقتصادی منطقه از سوی نیروهای صهیونیست بود. بدین ترتیب، مهاجرت گسترده ساکنان جنوب بر حجم بیچارگی و آوارگی شیعیان افزود و مناطق شیعه‌نشین را به پایگاه وسیعی برای گروه‌های جنگجوی شیعه درآورد و حتی بعضی از پناهندگان و آوارگان شیعه در یکی از این اردوگاه‌ها بیشتر از آوارگان فلسطینی بود.

بر اثر اختلاط شیعیان لبنان با آوارگان فلسطینی، قریب یک‌چهارم قربانیان کشتارهای «صبرا» و «شتیلا» که در سال ۱۹۸۲ توسط مزدوران صهیونیست - فلانژیست‌ها - صورت گرفت، از شیعیان بودند. علاوه بر این ماجرای دردناک، رخداد پلید دیگری که به دست صهیونیست‌ها انجام گرفت، اهانت به دسته‌های عزادار شیعه در روز عاشورا در شهر نبطیه در سال ۱۹۸۳ بود که بر آتش خشم و کینه شیعیان افزود.

بنابراین، تجاوزهای پی‌درپی صهیونیست‌ها به لبنان و آوارگی‌های شیعیان این کشور، زمینه مناسبی را برای دیدگاه‌های ضدصهیونیستی و همچنین، فرهنگ شهادت‌طلبی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده بود (سويد، ۱۳۷۹: ۲۶).

جنگ داخلی لبنان: در سال ۱۹۷۵ نظامیان مسیحی با فلسطینی‌هایی که در لبنان حضور داشتند و مورد حمایت مسلمانان لبنان بودند، درگیر شدند و جنگ داخلی ۱۵ ساله

نظام چند بعدی قدرت جمهوری اسلامی ایران در لبنان / ۱۹۱

لبنان آغاز شد. این جنگ که در یک طرف آن اتحاد مسیحیان راستگرای افراطی و در طرف دیگر آن، اتحاد مسلمانان، چپگرایان و ملی‌گرایان قرار داشت، ده‌ها هزار کشته و مجروح به جای گذاشت و تا اوایل دهه ۱۹۹۰ (زمان امضای توافق طائف) ادامه یافت.

درواقع، جنگ داخلی لبنان و بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن، که شیعیان لبنان را در تنگنا قرار داده بود، زمینه مناسبی را برای آموزه‌های انقلاب اسلامی فراهم کرده بود. در دوران جنگ داخلی لبنان، شیعیان لبنان به احزاب چپ و قومی عربی بی‌اعتماد شده بودند و به دنبال اندیشه‌ای ثبات‌بخش، آرامش‌بخش و صلح‌طلب بودند که در سایه آن زندگی کنند. اصول، آرمان‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی، پاسخگوی این خواسته‌های شیعیان محروم و خسته و زخم دیده از جنگ داخلی بود. بنابراین، طبیعی بود که در این شرایط، شیعیان به‌ویژه حزب‌الله لبنان، پذیرای آموزه‌های آرامش‌بخش و ثبات‌بخش انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و رهنمودهای امام خمینی (ره) شوند (رکن‌آبادی، ۱۳۸۸).

از زمانی که در ایران قیامی تحت نام اسلامی و اصالت فرهنگی به پیروزی رسید شیعیان لبنان به‌عنوان بازیگران مهم و مؤثر، تحت حمایت ایران در مقابل رژیم صهیونیستی به ایفای نقش پرداختند. پیوند حزب‌الله با جمهوری اسلامی ایران، پیوندی عمیق و استراتژیک و ناگسستنی است. این پیوند ماهیت کاملاً ایدئولوژیک دارد و بر مبنای ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی و شیعی استوار است.

در این بحران، ایران نخستین کشوری بود که رژیم صهیونیستی را محکوم کرد. با شکست سفر دیپلماتیک رایس به منطقه، تحرک دیپلماتیک ایران بیشتر شد. ایران در چارچوب حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک از حزب‌الله و لبنان در تلاش بود با رایزنی با کشورهای مهم منطقه نظیر مصر، عربستان و ترکیه، مانع از بهره‌برداری مخالفان و منتقدان

خارجی حزب‌الله از وضعیت موجود در حوزه مذاکرات مربوط به آتش بس و نحوه اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شود (انوشه، ۱۳۸۸: ۱۴۷).

قدرت نظامی حزب‌الله لبنان با پشتوانه جمهوری اسلامی ایران

عقب نشینی ارتش رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان زیر ضربات مقاومت و به‌گونه‌ای ذلت بار، عملاً باعث بروز فروپاشی‌هایی در نظریه‌های نظامی و اصول استراتژی رژیم صهیونیستی شد و بسیاری از باورهای مسلم را در این زمینه نقش بر آب کرد. ارتشی که تا قبل از این رویداد، از آن به‌عنوان شکست‌ناپذیر یاد می‌شد و ادعا داشت که با بازوهای قدرتمند و ضربتی خود قادر است همه کشورهای منطقه و سازمان‌های به اصطلاح تروریستی را گوشمالی دهد و با اتکا بر قدرت بازدارندگی خود به آنها بفهماند که حتی برای فکر کردن به انجام هرگونه عملیات علیه رژیم صهیونیستی، باید بهای سیاسی و نظامی سنگینی بپردازند، اینک زیر ضربات دردناک مقاومت در جنوب لبنان برخلاف معهود، بدون دست یافتن به هرگونه امتیازی؛ اعم از معاهده صلح یا ترتیبات امنیتی، مجبور شد فرار را بر قرار ترجیح دهد و در پناه تاریکی شب، افراد خود را از مهلکه خارج نماید. میلیون‌ها نفر که از طریق صحنه تلویزیون‌های محلی و ماهواره‌ای جریان فرار ارتش صهیونیستی و مزدوران آن را دنبال می‌کردند، مشاهده کردند که این به اصطلاح عقب‌نشینی شکل جنگ و گریز به‌خود گرفت و همزمان به خروج نیروهای رژیم صهیونیستی، پایگاه‌ها و سنگرهای ارتش مزدور آنتوان لحد، یکی پس از دیگری زیر آتش نیروهای مقاومت و هجوم انبوه نیروهای مردمی سقوط کرد. مقادیر بسیار زیادی اسلحه، مهمات، سازو برگ و خودروهای نظامی به‌جا ماند که توسط نیروهای مقاومت به غنیمت گرفته شده و صدها نفر از مزدوران که کاملاً غافلگیر شده بودند، سنگرها را رها کرده، کوشیدند با اتومبیل خود را به آن سوی مرز برسانند و به دلیل ازدحام در «گذرگاه فاطمه» اتومبیل‌ها را نیز رها کردند و

نظام چند بعدی قدرت جمهوری اسلامی ایران در لبنان / ۱۹۳

پیاپی از مرز گذشتند. منظره صدها اتومبیل بی‌صاحب و رها شده پشت سیم‌های خاردار که توسط ماهواره‌ها به سراسر جهان مخابره شده، بسیار گویا و پرمعنا بود (مهتدی، ۱۳۹۲: ۲۰).

به‌دور از گفتمان تبلیغاتی و سیاسی و با دید صرفاً واقع‌گرایانه می‌توان گفت که تمامی اصول استراتژی نظامی رژیم صهیونیستی زیر فشار این رویداد فروپاشید. پیش از هر چیز باید به این مسأله توجه داشت که شکست پنجم خرداد، اوج یک رشته شکست‌های پی‌درپی بود که از همان آغاز حمله همه‌جانبه رژیم صهیونیستی به لبنان در تابستان ۱۳۶۱ دامنگیر ارتش صهیونیستی شد. رژیم صهیونیستی تصور می‌کرد که پس از شکست نظریه تبدیل لبنان به دولت‌های کوچک فرقه‌ای، می‌تواند با حمله سراسری و اخراج مقاومت فلسطینی و روی کار آوردن یک دولت فرمایشی و وابسته به خود در لبنان، نه تنها «سلامت منطقه‌ای جلیل» را برای همیشه تضمین کند؛ بلکه لبنان را به‌عنوان پایگاهی برای دست‌اندازی به دیگر کشورهای عربی مورد استفاده قرار دهد، هیچ یک از این هدف‌هایش برآورده نشد. برعکس، با خروج مقاومت فلسطینی از لبنان، مقاومت دیگری به‌مراتب قوی‌تر، در عین حال مسلح به روحیه‌ای سازش‌ناپذیر و برخوردار از پشتیبانی مردمی پدیدار شد که علاوه بر سرنگون کردن دولت انتصابی، معاهده صلح ۱۷ ماهه ۱۹۸۳ را خنثی ساخت و ارتش رژیم صهیونیستی را واداشت که به نوار مرزی بازگردد. از آن پس فشار مقاومت با تکیه بر عملیات شهادت‌طلبانه نصب تله‌های انفجاری، حمله غافلگیر کننده به سنگرها و استحکامات نظامی دشمن و بالاخره پاسخ دادن به بمباران‌های وحشیانه رژیم صهیونیستی با استفاده از توپخانه و موشک‌های کاتیوشا و هدف قراردادن کریات شمونه و دیگر شهرک‌های صهیونیستی در منطقه جلیل، بالا گرفت (مهتدی، ۱۳۹۲: ۳).

رژیم صهیونیستی برای پایان دادن به این مقاومت، از همه امکانات و راه‌ها همانند قتل و کشتار دسته‌جمعی، شکنجه در بازداشتگاه‌های مخوف، ربودن و ترور رهبران و

مسئولان مقاومت، بمباران‌های کور و بی‌هدف و بالاخره ویران کردن تاسیسات زیربنایی لبنان با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین جنگ افزارها استفاده کرد؛ اما در همه این مراحل مقاومت نه تنها خسته و فرسوده نشد؛ بلکه با تراکم تجربه‌ها، شیوه‌ها و فنون جدیدی را وارد عمل کرد.

از سوی دیگر، تعداد جنازه‌ها و زخمی‌هایی که هر روز از جنوب لبنان به رژیم صهیونیستی منتقل می‌شد، موجی از نارضایتی و ترس را در جامعه صهیونیستی برانگیخت و بروز یک رشته جنبش‌های اجتماعی در مخالفت با ادامه اشغال جنوب لبنان را باعث شد؛ حتی بسیاری از رژیم صهیونیستی‌شناسان معتقدند که آنچه باعث پیروزی ایهود باراک در انتخابات زودرس شد، همانا وعده وی در زمینه خارج کردن ارتش رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان بود. البته، باراک کوشید در یک سال مهلتی که برای این کار تعیین کرده بود، با استفاده از آخرین حربه‌ها و روش‌ها مقاومت را به زانو درآورد و ضمن دریافت بهای این عقب‌نشینی، آن را به شکل آبرومندی با عنوان اجرای قطعنامه ۴۲۵ عملی سازد؛ اما ایستادگی مقاومت در کنار انسجام و وحدت موضع و دیدگاه بین دولت لبنان و مقاومت و پدید آمدن نوعی اجماع ملی در لبنان، هماهنگ با موضع حمایتی سوریه و پشتیبانی ایران و در نتیجه، تسلیم نشدن به تهدیدها و تطمیع‌های رژیم صهیونیستی، وضعیتی را به وجود آورد که به فرار ذلت‌بار ارتش صهیونیستی از جنوب لبنان منجر شد و برای نخستین بار یک کشور عربی توانست بدون مذاکره و بدون دادن هیچ تضمین و یا امتیازی، خاک اشغال شده خود را از رژیم صهیونیستی بازپس گیرد (مهتدی، ۱۳۹۲: ۴).

تلفیق ابعاد نرم و سخت قدرت در لبنان

الگوی نفوذ جمهوری اسلامی ایران در لبنان را می‌توان یکی از موارد کارآمد و موفق بروز قدرت هوشمند ایران در یکی از کشورهای استراتژیک منطقه خاورمیانه تلقی نمود. در حقیقت، عملیات میدانی و موفقیت‌های نظامی حزب‌الله، به همراه نفوذ پارلمانی و اقبال

نظام چند بعدی قدرت جمهوری اسلامی ایران در لبنان / ۱۹۵

عمومی مردم لبنان به این حزب، زمینه‌ساز بسط نفوذ جمهوری اسلامی ایران در این کشور و به تبع تقویت و استحکام محور مقاومت در منطقه شده است. به طور کلی، می‌توان گفت که حزب‌الله لبنان با تأثیرپذیری از الگوهای ایرانی، به نتایجی دست یافتند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱- گسترش فرهنگ مقاومت، جهاد و عملیات شهادت‌طلبانه و اثبات کارایی آن؛
- ۲- رد الگوی مصلحت، دیپلماسی و مذاکرات بیهوده با رژیم صهیونیستی؛
- ۳- سست کردن اسطوره شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی در میان اعراب و مسلمانان؛
- ۴- تبدیل الگوی مقاومت حزب‌الله به عامل بیداری اعراب در سراسر امت اسلامی؛
- ۵- ایجاد مشروعیت مردمی و همبستگی ملی بسیاری از طوایف لبنانی در خصوص مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی (طاهری، ۱۳۸۹: ۹۲).

می‌توان گفت که تحقق قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران در لبنان، بنابر ماهیت قدرت هوشمند، در قالب دو مؤلفه قدرت نرم و سخت صورت پذیرفته است. قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در پارلمان لبنان محقق شده، چنانکه کسب اجازه حزب‌الله از مقام معظم رهبری مؤید این نکته است: حزب‌الله پس از پیمان طائف و پس از کسب اجازه از ولی فقیه، آیت‌الله خامنه‌ای برای مشروعیت در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۲ شرکت کرد و از آن پس، تحت تأثیر جمهوری اسلامی ایران و رهنمودهای رهبران آن، همواره در رقابت‌های انتخاباتی پارلمانی، شوراهای شهر و روستا و شهرداری‌ها حضور فعال داشته است. قدرت سخت جمهوری اسلامی ایران نیز طبق بیانات مقام معظم رهبری در قالب عملیات میدانی حزب‌الله و مبارزه با رژیم اشغالگر قدس تبلور یافته است. بیانات مقام معظم به شرح ذیل است:

ما آنجایی که دخالت کنیم، صریح می‌گوییم. ما در قضایای ضدیت با رژیم صهیونیستی دخالت کردیم، نتیجه‌اش هم پیروزی جنگ سی و سه روزه و پیروزی جنگ بیست و دو

روزه بود. بعد از این هم هرجا، هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش می‌کنیم و هیچ ابایی هم از گفتن این حرف نداریم.

در پایان، باید به این نکته توجه کرد که دستاورد مهم حمایت جمهوری اسلامی ایران در جنگ ۳۳ روزه این بود که این حمایت تأثیر روانی عظیمی بر ملت‌های منطقه گذاشت؛ چون یکی از اهداف مهم رژیم اشغالگر قدس، تثبیت روحیه شکست‌پذیری در ملت‌های منطقه بود تا آنها به این باور برسند که با این رژیم نمی‌توان به‌عنوان قدرت برتر طرف شد و چاره‌ای جز گذشت از حقوق خود و پذیرفتن وضع موجود نیست. ایران به‌عنوان یکی از قدرتمندترین کشورهای منطقه خاورمیانه، از جنگ رژیم صهیونیستی و لبنان بیشترین نفع را برد و این سؤال را در اذهان ایجاد کرد که ارتش رژیم صهیونیستی که از حمایت امریکا برخوردار است، نتوانست باعث بازدارندگی قدرت موشکی حزب‌الله شود، چگونه می‌تواند از سامانه موشکی ایران که از قدرت بیشتری برخوردار است جلوگیری کند. این پشتیبانی‌ها باعث شد که جایگاه نظامی و اطلاعاتی ایران افزایش یابد و توانایی بازدارندگی ایران را تقویت کند و موجب رشد جریان‌های اسلام‌گرای مورد حمایت ایران گردید. به دنبال آن، قدرت چانه‌زنی ایران در معادلات منطقه‌ای افزایش یافت و موجب تقویت و ارتقای جایگاه آن در سطح منطقه شد. حزب‌الله لبنان نیز از اتهام خشونت‌گرایی و اقدامات تروریستی‌هایی یافت و توانست مبارزات خود علیه رژیم اشغالگر قدس را در گستره منطقه‌ای و بین‌المللی مشروعیت بخشد. پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه تأثیر مهمی دیگری هم داشت و آن دگرگونی و تحول در تجربه مقاومت در مقایسه با مقاومت‌های پیشین و رهبری موفقیت‌آمیز و همراه با مقبولیت عامه آن در طرح رویارویی با دشمن است و دیدگاه‌ها نسبت به این حزب به‌عنوان حزبی که داری ویژگی‌های عالی عقیدتی و مذهبی است، تکوین یافت (شفیعی، ۱۳۸۸: ۴۲ و ۴۳).

نتیجه گیری

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، زمینه ساز احیای نهضت شیعی لبنان و الهام بخش رهایی مردم شیعه در مبارزه با رژیم صهیونیستی شده و این کشور به مناسب ترین محل رشد و پرورش افکار انقلابی شیعه درآمده است؛ زیرا سرنگونی حکومت پهلوی در ایران، به الگویی برای مبارزه علیه اشغال و بی عدالتی در جامعه لبنان تبدیل شده و شیعیان در این کشور با کنار گذاشتن سایر الگوها و اتخاذ الگوی اسلام انقلابی برگرفته از ایران، به مبارزه برای کسب حقوق خود در جامعه لبنان پرداختند. بدین ترتیب، پس از انقلاب اسلامی، شیعیان لبنان نیز با حمایت مستقیم از سوی یک کشور انقلابی و مصمم که در پی صدور آرمان های انقلاب بود، درصدد برآمدند تا موقعیت سیاسی اجتماعی خود را در جامعه لبنان ارتقا دهند. این انقلاب علاوه بر تقویت هویت اسلامی مسلمانان لبنان در مقابل غربگرایان و به خصوص مسیحیان و مارونی ها، سبب هویت یابی مجدد امت اسلامی در پرتو خیزش و نهضت بیداری اسلامی منبعت از انقلاب اسلامی شد که یکی از دلایل جذابیت انقلاب برای شیعیان لبنان بوده است.

در بررسی قدرت نرم بیان کردیم، امنیت و منافع ملی زاینده قدرت است که امروزه به ویژه بر قدرت نرم استوار است. قدرت نرم، چیزی بیش از صرف توانایی نفوذ بر دیگران است؛ بلکه توانایی جذب دیگران به نحوی که به آنچه می خواهید، بدون استفاده از قدرت سخت برسید. از جمله عناصر قدرت نرم، مشروعیت سیاسی دولت است که به وفاداری و حمایت اتباع از آن دولت مربوط می شود. قدرت نرم می تواند شامل فرهنگ ها، ارزش ها و عقاید نیز باشد. تجربه حزب الله لبنان اثبات می کند که جنبش های اسلامگرا، صرفاً تحت تأثیر ارزش های ایدئولوژیک رفتار نمی کنند؛ بلکه از خصوصیات و شرایط جامعه خود تأثیر می پذیرند و به عبارتی، در درک شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی، می توانند موفق عمل نمایند. بنابراین، جنبش اسلام گرایی که در جامعه ای تکثرگرا فعالیت می کند، هر چند که

دارای مواضع رادیکال و انقلابی باشد؛ اما برای استمرار فعالیت خود، به تعدیل مواضع، پذیرش تکثرگرایی و رعایت قواعد بازی دموکراتیک به‌عنوان اصولی تازه که در چارچوب اهداف کلان قبلی معنا می‌یابد، روی می‌آورد. حزب‌الله لبنان با گذشت زمان، از یک سازمان ذاتاً نظامی به یک جنبش نظامی - سیاسی تبدیل شد؛ به‌گونه‌ای که ساختار فکری مبتنی بر پایه‌های دینی، اخلاقی و سیاسی مختلف، دو جنبه نظامی و سیاسی آن را به‌یکدیگر پیوند می‌دهد. حزب‌الله لبنان کوشیده است تا توازن دقیق میان آنچه آرمانی است، با آنچه در عمل وجود دارد، را به‌گونه‌ای هماهنگ و همساز برقرار و حفظ کند. به بیان دیگر، این سازمان به‌عنوان عامل بسط نفوذ جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه عربی، به تلفیقی از قدرت نرم و سخت که همانا قدرت هوشمند است، دست یافته و از این رهگذر قادر شده است تا به‌طور روز افزون به دامنه قدرت خود بیفزاید.

منابع

- اسدالهی، مسعود. (۱۳۸۲). جنبش حزب الله لبنان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- _____ (۱۳۷۹). *از مقاومت تا پیروزی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۶). *قدرت نرم و سرمایه اجتماعی*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- امرائی، حمزه. (۱۳۸۳). *انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- انوشه، ابراهیم. (بهار ۱۳۸۸). *جنگ ۳۳ روزه لبنان و بازیگران آن، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره نخست.
- ایندرجیت، پارمار و مایکل کاکس. (۱۳۹۰). *قدرت نرم و سیاست خارجی*، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیگی، مهدی. (۱۳۸۸). *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- حمزه، نزار. (۱۳۸۷). *حزب الله لبنان*، ترجمه: بهروز ابوئی مهریزی، تهران: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی.
- خسروشیری، علی و مصطفی جوان. (بهار ۱۳۸۸). *ایران پس از انقلاب اسلامی و حزب الله لبنان، فصلنامه مطالعات بسیج*، سال ۱۲، ش ۴۲.
- ژان میلسن و همکاران. (۱۳۸۷). *قدرت نرم در روابط بین‌الملل*، ترجمه: محسن روحانی و رضا کلهر، تهران: دانشگاه امام صادق.
- سوید، محمود. (۱۳۷۹). *جنوب لبنان در رویارویی با صهیونیست‌ها*، ترجمه: تهران: مرکز تحقیقات و بررسی‌ها.
- شفیعی، نوذر. (۱۳۸۸). *تأثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر موقعیت منطقه‌ای ایران*، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره اول.

طاهری، مهدی. (۱۳۸۹). تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان لبنان، تهران: فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۲۳.
مطهرنیا، مهدی. (بی‌تا). قدرت در پیرواک انواع.
مهدی، محمدعلی. (۱۳۹۲/۶/۲۰). جنوب لبنان و شکست استراتژی نظامی اسرائیل، پرتال جامع علوم انسانی.
نای، جوزف. (۱۳۸۷). رهبری و قدرت هوشمند، ترجمه: محمودرضا گلشن پژوه و الهام شوشتری زاده، تهران: ابرار معاصر.
وبر، ماکس. (۱۳۶۷). مفاهیم اساسی در جامعه‌شناسی، ترجمه: احمد صدارتی، تهران: نشر مرکز.

- Blake, Janet and MR Golshanpajouh (2010) "Soft Power and Soft Threat: A Proposal in Line with Policy", *Journal of strategy*, number ۵۵, ۱۹th year.
- Eisenstadt, Michael (2015) *The Strategic Culture of the Islamic Republic of Iran: Religion, Expediency, and Soft Power in an Era of Disruptive Change*, Middle East Studies at the Marine Corps University.
- Venetis, Evangelos (2011), *The Rising power of Iran in the Middle East: Forming an Axis with Iraq, Syria and Lebanon*, Middle Eastern Studies Programme, University of Leiden, the Netherlands ELIAMEP, Greece.
- Mohagheghnia, Hamed, Hadi Sharafi, Bijan Rabiee (2017) "The Role of Islamic Republic of Iran's Soft Power in the Middle East" *International Journal of Scientific Study*, Vol 5, Issue 4.
- Rafizadeh, Majid, "How Iran Dominates the Middle East? Soft Power": www.huffingtonpost.com 22.5.2016.